انترناسیونال 758

**متن سخنرانی شیرین شمس از مسئولین انقلاب زنانه در کنفرانس دختران خیابان انقلاب**

سلام می کنم به همه شما حضار محترم در کنفرانس دختران خیابان انقلاب، به همگی شما عزیزان خوش آمد می گویم و معتقدم حضور شما در این مهم، حمایتی ویژه از دختران خیابان انقلاب و گام بزرگی در تقویت انقلاب زنانه در ایران هست.

بی شک در طول نزدیک به چهار دهه و به عبارتی در طول عمر حکومت جمهوری اسلامی، زنان در یکی از بدترین شرایط تاریخی خود بسر برده اند. با توجه اینکه ارکان و ارزشهای این حکومت برگرفته از قوانین و فرهنگ دین اسلام است، با توجه به اینکه قانون نابرابر و تبعیض آمیزی در آن جامعه حاکم است که زن را جنس دوم و حقوق زنان را نیمی از حقوق مردان و در مواردی بدون هیچ حقی محسوب می کند، و همچنین با توجه به تولید و بازتولید روزمره فرهنگ مردسالارانه و سنت زده که از طریق آموزش و پرورش و رسانه های کلان حکومت صورت میگیرد، (نمونه آن 32 مرکز اعم از وزراتخانه، سازمان و نهاد است که بطور مستقیم و غیرمستقیم به موضوع " عفاف و حجاب" می پردازند)، به علاوه خشونت های قانونی و حکومتی علیه زنان که شاهد آن هستیم خارج از تصور نیست که زنان در شرایطی قرار بگیرند که تا به حال یکی از وسیعترین قربانیان جامعه ایران باشند. پر واضح است که در جامعه ای که نیمی از جمعیت آن را زنان تشکیل می دهند، با گرفتن هویت انسانی از زنان و کنترل و تحقیر و سرکوب روزمره این بخش از جامعه، رهائی زن، و برابری زن و مرد، محقق نخواهد شد و این جامعه با این شرایط هرگز به استاندارهای یک زندگی انسانی دست پیدا نخواهد کرد.

و اما در این بین و بدون شک در طول همین چهار دهه و به عبارتی از ابتدا و در طول عمر حکومت جمهوری اسلامی، زنان اولین و قویترین جنبش اجتماعی، سیاسی و مبارزاتی را تشکیل داده اند که مقابل همین حکومت ایستاد و ایستادگی کرده تا امروز که ما از آن تحت عنوان یک "انقلاب زنانه" در ایران یاد می کنیم. انقلابی که نه تنها ارزشها و ارکان این حکومت را به چالش کشیده، بلکه آنها را زیر پا له کرده، بر سر چوب کرده و با تک تک آنها مبارزه می کند و در یک جدال روزمره باعث تضعیف حکومتی شده که اسلام و زن ستیزی هویت اصلی آن را تشکیل می دهد.

جدالی که از همان ابتدای روی کار آمدن جمهوری اسلامی و از همان زمان صدور فرمان خمینی برای حجاب اجباری آغاز شد و تا امروز ادامه داشته است؛ جدالی که "دختران انقلاب سال 57" و مشخصا در تظاهرات با شکوه 8 مارس روز جهانی زن آغازگر آن بودند. اتفاقا امروز هم قرار هست از نزدیک و در همین کنفرانس صحبتها و تجربیات تعدادی از این زنان مبارز را بشنویم.

همان سال 57 بود که برای اولین بار بر طبل انقلاب زنانه کوبیده شد. زنان زیر بار حجاب و قوانین اسلامی نرفتند، مخالفت کردند، تظاهرات کردند، به یک مبارزه سیاسی برای حفظ حقوق خود دست زدند و اینطور شد که مساله زن و مساله حجاب از همان ابتدا به یک دغدغه جدی در ایران تبدیل شد. "حذف زن" از جامعه هویت جمهوری اسلامی محسوب شد و میشود، (خامنه ای سال 96، سیاست 16 ماده ای خانواده را ابلاغ کرد که در آن نقش زن را خانه داری، شوهر داری و بچه داری تعیین کرد) و در طرف دیگر مساله "رهایی زن" برای جامعه بخصوص زنان به یک امر مهم و سیاسی تبدیل شد و آنچه که زنان و جمهوری اسلامی را در مقابل هم قرار داد و میدهد "حجاب" بوده و هست.

ابزاری به اسم حجاب با خشن ترین و خشونت بارترین روشهای قانونی، با پونز اکبر گنجی و گنجی ها به پیشانی زنان کوبیده شد و با اسید و گشت ثارالله دیروز و گشت ارشاد امروز به صورت یک اجبار قانونی درآمد و به زنان تحمیل شد. با حجاب که قابلیت گستراندن بستر بیحقوقی های متعددی را دارد، تلاش شد زنان را از حضور در عرصه های اجتماعی، تحصیلی، ورزشی، اقتصادی، فرهنگی و هنری و غیره و غیره محدود و حتی محروم سازند؛ حجاب در واقع ابزاری بود در دست حاکمیت برای سرکوب زنان، کلیت جامعه و سرکوب جنبش های آزادیخواه در ایران.

در طول همه این سالها مبارزه با حجاب به یکی از خطوط اصلی مبارزات زنان در ایران تبدیل شد تا اینکه ویدا موحد اولین دختر خیابان انقلاب در بستر شرایط اعتراضی جامعه علیه وضع موجود، به روی سکویی رفت و نماد اجبار، تحقیر، سرکوب و خشونت بر زنان را بر سر چوبی کرد و بدنبال آن و از دل خیزش سراسری مردم ایران علیه فقر، بیکاری، ستم، ظلم و علیه کلیت جمهوری اسلامی، موجی عظیمی تحت عنوان دختران خیابان انقلاب براه افتاد که به قویترین شکل ممکن نشان داد انقلابی عظیم در بطن جامعه ایران در حال رخداد است و این انقلاب یک انقلاب زنانه است.

دختران خیابان انقلاب تصویر غالب بر جهان مبنی بر اینکه مردم ایران، مردم مذهبی هستند را با قدرت تمام بهم ریخت و تصویری از مردم ایران، بخصوص زنان ایران را جایگزین کرد که خواهان رهایی از مذهب، فرهنگ عقب مانده، مردسالارانه و سنت زده هستند. موج عظیم آزادیخواهی و برابری طلبی پرچم انقلاب زنانه را با شکوهتر از همیشه شهر به شهر ایران روی سکوهایی که امروز به سکوی انقلاب معروف شده اند، به احتزاز درآورد؛ پرچمی که 39 سال دست به دست چرخید تا بالاخره به دست زنان شجاع و مبارزی رسید که امروز در سراسر جهان از این زنان تحت عنوان دختران انقلاب یاد میشود. پرچمی که باعث شد دختران انقلاب در زمان 57 به معنای واقعی بیش از پیش دیده شوند.

دختران خیابان انقلاب زنانی اند که نه از بازداشت میترسند و نه از تهدید و یکی پس از دیگری روسری ها و شالهای خود را از سر برمیدارند، آنها را سر چوب میکنند و همانطور که در این کنفرانس از زبان تعدادی از دختران خیابان انقلاب شنیدیم معتقدند این اعتراض نه فقط به حجاب اجباری بلکه به کلیت جمهوری اسلامی است. دختران انقلاب نه تنها به هیچ جناحی از حکومت دل نبسته اند، بلکه همچون مریم شریعتمداری به افشای ماهیت خشونت بار این حکومت و مشخصا افشای جریان اصلاحات برای مصادره این حرکت با پول و رشوه به اسم خود، پرداخته اند.

دختران انقلاب خواهان برگرداندن اختیار به زنان و به کلیت جامعه هستند. اختیاری که با همین حجاب گرفته شده؛ ابزاری که امروز از آن به پرچم جنبش اسلام سیاسی یاد میشود و نقطه اشتراک همه حکومت ها و دولت ها و جریانات متعلق به این جنبش ضد انسانی و تروریست همچون حکومت اسلامی در ایران، طالبان در افغانستان، ازدغان در ترکیه، بوکوحرام، داعش و امثالهم است که هر کجا پا گذاشتند با حجاب به زنان آن جامعه و سپس به کل جامعه حمله کردند، به دستاوردهای بشری، به مدرنیسم و به مدنیت حمله کردند.

اتفاقا مبارزه جنبش رهایی زن در ایران (که این را در تاریخ مبارزات خود اثبات کرده) با حجاب و با مذهب است؛ تحت این عنوان که باید نقش مذهب از زندگی زنان بطور کامل قطع شود و هیچ جریان و دولت و حکومت، و هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق دخالت در پوشش، سبک زندگی، گرایش جنسی، روابط فردی و اجتماعی، حق توهین و تحقیر و کنترل و سرکوب یک زن را نداشته باشد.

حضور زنان علی رغم همه محدودیت ها و محرومیت ها و حتی خشونت ها در همه سالهایی که مرور کردیم، در عرصه های تحصیلی، ورزشی، فرهنگی و هنری، اجتماعی و غیره، و همچنین حضور زنان در صف اول مبارزه علیه حکومت اسلامی، چه در مبارزات جنبش زنان و دیگر جنبش های اجتماعی از جمله دانشجویی، کارگری و غیره، و چه در وقایعی چون تیر 78، اعترضات سال 88 و بالاخره اعتراضات سراسری 96 و تکثیر دختران خیابان انقلاب، اثبات کرد که زنان یکی از نیروهای قوی محرکه و پیش برنده موج عظیم رهایی از وضعیت موجود هستند. زنان بخش عظیمی از موج سرنگونی طلبانه ای که در اعتراضات سراسری اخیر در بیش از صد شهر فریاد نه به جمهوری اسلامی سر دادن، هستند. البته که "نه به جمهوری اسلامی" را سالهاست زنان با زیر پا گذاشتن حجاب و تفکیک جنسیتی و دیگر ارکان و ارزشهای اسلامی، فریاد زده اند و امروز با تکثیر دختران خیابان انقلاب خون تازه ای به رگهای جنبش سرنگونی مردم ایران دمیده اند.

آنچه ما با آن در جامعه ایران مواجه هستیم چیزی کمتر از یک انقلاب زنانه نیست، انقلابی که برای هویت انسانی، آزاد و برابر زنان می جنگد و بر این واقف هست که امر محقق نمیشود مگر در صورت سرنگونی جمهوری اسلامی. انقلاب زنانه برای این امر راه زیادی آمده، هزینه هایی هم داده، اما نه تنها گامی رو به عقب برنداشته و برنمیدارد بلکه روز به روز جلوتر آمده، و برای دست یابی به هدف خویش گامهای بلندتر و ساختارشکنانه تری، برداشته است؛ تا اینکه حجاب و مساله زن به یکی از بزرگترین دغدغه های حکومت از رهبر آن تا امامان جمعه و مسولین تبدیل شده، تا اینکه مقامات حکومت را به اعتراف به گذر زنان از خط قرمز حجاب در 10 استان بزرگ و شکست سیاست های اسلامیزه کردن جامعه و ناتوانی در مهار زنان واداشته است.

و در آخر لازم هست اشاره کنم که انقلاب زنانه به چیزی کمتر از برپایی حکومتی بر مبنای انسانیت، کرامت انسانی، آزادی، برابری و قوانین سکولار رضایت نمیدهد و با تمام قوا برای آن مبارزه میکند. و اما لزوم تحقق این امر مهم که نه تنها رهایی زنان، بلکه رهایی کل جامعه را در پی خواهد داشت، مبارزه متشکل و سازماندهی شده بر مبنای یک پلتفرم انسانی هست که محور آن سکولاریسم و متضمن رهایی زن باشد. همین جا به همه شما انسانهایی که قبلتان برای آزادی و برابری میتپد فراخوان میدهم که به انقلاب زنانه بپیوندید.

**زنده باد دختران خیابان انقلاب**

**زنده باد انقلاب زنانه**

**16 فروردین 1397**

**5 آوریل 2018**